

حوزه معنایی جهاد و واژه‌های هم‌نشین آن با تکیه بر سیر نزول

علی سعیدی*
امیر احمدنژاد**

تاریخ دریافت: ۹۶/۸/۵

تاریخ پذیرش: ۹۶/۱۱/۱۳

چکیده

معناشناسی به مطالعه معنا می‌پردازد. «معنا» آگاهی از بافت فرهنگی و رابطه یک واژه با واژگان دیگر در یک متن است. واسطه میان گیرنده و فرستنده پیام در معناشناسی، واژگانی است که هم گیرنده پیام با آن آشنا بوده و هم در حوزه فرهنگی اهل زبان بیگانه نبوده است. در این مقاله با استفاده از معناشناسی، بر اساس بافت زبانی با بررسی روابط هم‌نشینی به تحلیل معنای «جهاد» با تکیه بر سیر نزول قرآن می‌پردازد. استفاده از روش ترتیب نزول و تطور معنایی دستاوردهای فراوانی دارد؛ از جمله آن که با این بررسی می‌توان به معنای واژگان لحظه به لحظه آگاه شد و از الهامات و مضامین رفیع جهاد در تک تک آیات وحی در جهت تعالی شبکه گسترده آن؛ هم‌گرایی و واگرایی با دیگر واژگان بافت متن آشنا شد که این شبکه معنایی در آخر خواننده را به کشف مراد کلام وحی آشنا می‌سازد. از دیگر کارکردهای بستر تاریخی واژگان؛ ترسیم منحنی‌های تحول موضوع جهاد و بسامد آن در سال‌های مختلف نزول وحی است. «جهاد» به معنای تحمل مشقت‌ها و سختی‌ها است که اوج آن را می‌توان در بذل جان و مال در راه اهداف الهی به شکل ویژه در مدینه مشاهده کرد. از هم‌نشین‌های جهاد، باید به واژگان «ایمان»، «هاجرُوا»، «أنفس»، «أموال»، «واغْلظ»، «فی سبیل الله» و «ایمان» اشاره کرد که از امتزاج و ترکیب آن‌ها پدیداری کاملاً همگن و معنادار به دست می‌آید.

کلیدواژگان: قرآن، تطور، مشقت، صبر، هاجرُوا، أنفس، أموال.

* دانشجوی دکتری تخصصی قرآن و حدیث، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

Alisaeidi5555@gmail.com

** دانشیار و عضو هیأت علمی گروه قرآن و حدیث، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.

amirahmadnezhad@outlook.com

نویسنده مسئول: امیر احمدنژاد

مقدمه

معناشناسی فرآیندی است که می‌تواند قرآن پژوهان را هرچه بیش‌تر با واژه‌های قرآن آشنا کند و آن‌ها را در مسیر فهم بهتر آیات قرآن قرار دهد. واژه جهاد یکی از واژگان مستعمل در قرآن است که بحث‌های لغوی و تاریخی بسیاری ذیل آن مطرح شده و هر کدام از لغت‌شناسان و مفسران به گونه‌ای به آن پرداخته‌اند؛ چراکه زبان حقیقتی جاری است که به مرور زمان دستخوش تحولاتی می‌شود؛ گاهی یک واژه در گذر زمان معنای اولیه خود را به طور طبیعی از دست می‌دهد و لفظ معنای جدید می‌یابد؛ به دیگر عبارت، دچار تحول معنایی می‌شود. برای دستیابی به معنای حقیقی قرآن ناگزیریم وضع معنای دینی، قرآنی را ملاحظه کنیم و صرف دلالت لغوی برای تعیین مقصود قرآن کافی نیست (سعیدی روشن، ۱۳۸۵: ۲۳۷).

واژه جهاد که در یک معنای کلی استعمال می‌شود، متأثر از محیط مدنی، کم‌کم تخصیص خورد و دایره معنایی‌اش در استعمالات، با بهره‌مندی از معنای اولیه و اساسی، در مفهوم معنوی مبارزه بر علیه دشمن بیرونی، نمود پیدا کرده است. در مقاله پیش‌رو ضمن معناشناسی واژه جهاد با استفاده از الگوی معناشناسی ارائه شده در آثار توشیهیکو/یزوتسو و پرداختن به شبکه معنایی این واژه و ارتباط آن با واژه‌های هم‌نشین به کار رفته در قرآن کریم، بستر نزول واژه و تطور تاریخی آن در طول دور نزول نیز بررسی خواهد شد. بنابراین در این پژوهش با نگاهی کامل و مجزا به دنبال پاسخگویی به سؤالات ذیل می‌باشیم: ۱. جهاد در هم‌نشینی با سایر واژگان، چگونه برداشت معنایی می‌شود؟ ۲. تطور واژه جهاد، چه تأثیری در تحولات معنای اولیه آن داشته؛ به دیگر عبارت، با سیر نزول و رخداد در زمانی واژه، چه ارتباطی، بین معنای اساسی و نسبی وجود دارد؟ ۳. میزان تأثیرگذاری بافت جغرافیایی بر معنای جهاد، چگونه می‌باشد؟

پیشینه تحقیق

در حوزه مطالعات معناشناسی کتاب‌هایی نوشته شده است که از مهم‌ترین آن‌ها، کتاب «مفاهیم اخلاقی دینی در قرآن» (یزوتسو، ۱۳۶۰ش)، «خدا و انسان در قرآن» (یزوتسو، ۱۳۸۸) و «آفرینش رستاخیز»/یزوتسو و شاگرد وی، ماکینوشینا

می‌باشد (مطیع و پاکتچی، ۱۳۹۰). در قالب مقاله، از مقاله‌ای با عنوان «تبیین راهبرد نرم‌افزارگرایانه جهاد در قرآن» که توسط محمد جانی پور و محمدرضا ستوده نیا در مجله علمی پژوهشی تحقیقات علوم قرآن و حدیث، شماره ۲۳، سال یازدهم به رشته تحریر درآمده می‌توان یاد کرد که از حوزه معناشناسی به دور بوده و به تحلیل جهاد در گفتمان اسلامی پرداخته که بر حاکمان و رهبران واجب است با توجه به وضعیت جامعه و امکانات موجود راهبرد نرم‌افزارگرایانه جهاد را برای مقابله با دشمنان داخلی و خارجی در پیش گیرند. از دیگر سو تعداد زیادی از واژه‌های قرآنی از قبیل زهد، احسان، شکر، الله، کلمه، رحیم و... در مجلات مختلف چاپ و منتشر شده‌اند و در حوزه واژگانی جهاد، تنها تحقیق و مقاله‌ای که به پژوهش در این موضوع با معناشناسی نوین پرداخته، تحقیقی کلی، با عنوان معناشناسی واژه «جهاد» در قرآن کریم چاپ شده در مجله علمی ترویجی سراج منیر، سال ۷، شماره ۲۳ بوده است که به پژوهش در زمینه واژگان هم‌نشین و تعدادی از مترادفات پرداخته است. علی‌رغم تلاش‌های صورت گرفته در مقاله مذکور، واژگان هم‌نشین و مترادف در شبکه معنایی کاملی مورد ارزیابی قرار نگرفته و از طرفی قلمرو تطورات این واژه ارائه نشده است.

معناشناسی

دانش معناشناسی، مطالعه علمی معناست؛ همچنان که زبان‌شناسی، مطالعه علمی زبان است و منظور از مطالعات علمی، توصیف پدیده‌های زبانی معنا در چارچوب یک نظام، بدون هر پیش‌انگاری است؛ به دیگر عبارت، معناشناسی مطالعه معنی کلمات، عبارات و جمله‌هاست و همیشه تلاش شده است که به معنای قراردادی واژه‌ها بیش‌تر تکیه شود تا آنچه گوینده می‌خواهد، واژه‌ها را در موقعیت خاصی معنا کند (صفوی، ۱۳۸۷: ۲۲). مطالعات علمی درباره زبان‌ها، ثبت معنای غریب، سخن درباره استعاره، مجاز، کنایه، وجوه و نظایر در قرآن و پیدایش فرهنگ‌های موضوعی و فرهنگ واژگان، از مباحث معناشناسی و از نخستین آثار مسلمانان به شمار می‌آید (مختار عمر، ۱۳۸۶: ۲۷). در پژوهش حاضر، در حد ممکن، جهاد با واژگان هم‌نشین در حوزه تاریخی (سیر نزول) مورد بررسی قرار می‌گیرد.

تطور و تاریخ واژگان

یکی از روش‌های نوپدید در بررسی واژگان قرآنی از قبیل جهاد و هم‌نشین‌های آن، بررسی سیر و تطور آن‌ها در گذر تاریخ و سیر نازل‌شده در متن قرآن است. به این شکل که چینش واژگان بر حسب نزول مورد توجه و معناشناسی قرار گرفته و از تکامل معنایی در متن بهره‌مند شده و متقابلاً متن را در چرخه جدید مفاهیم قرار داده و از کشف صحیح مدلول بحث خواهد کرد. به این روش از معناشناسی، معناشناسی تاریخی اطلاق می‌شود؛ معناشناسی که به مطالعه تغییرات معنا در طول زمان می‌پردازد که سابقه آن به قرن ۱۹ میلادی برمی‌گردد که ابتدا از آلمان آغاز شد و آنگاه به وسیله جامعه‌شناسان زبان به فرانسه منتقل گشت و در نهایت، به طور جدی مورد توجه زبان‌شناسان قرار گرفت (صفوی، ۱۳۸۷: ۲۹). استفاده از روش ترتیب نزول و تطور معنایی دستاوردهای فراوانی دارد؛ از جمله آنکه با این بررسی می‌توان به معنای واژگان لحظه به لحظه آگاه شد و از الهامات و مضامین رفیع جهاد در تک تک آیات وحی در جهت تعالی شبکه گسترده آن؛ هم‌گرایی و واگرایی با دیگر واژگان بافت متن آشنا شد که این شبکه معنایی در آخر خواننده را به کشف مراد کلام وحی آشنا می‌سازد. از دیگر کارکردهای بستر تاریخی واژگان؛ ترسیم منحنی‌های تحول موضوع جهاد و بسامد آن در سال‌های مختلف نزول وحی است.

تغییرات معنایی واژگان در بافت متن

تیلر برای تغییر معنا در سیاق‌های مختلف، سه دلیل مطرح می‌کند: مسأله انطباق، مسأله منطقه فعال و انعطاف‌پذیری (قائمی‌نیا، ۱۳۸۹: ۲۰۲).

۱. مسأله انطباق

وقتی واحدهای معنایی کنار یکدیگر قرار می‌گیرند، حذف و اضافاتی در اجزای هم‌نشین به وجود می‌آورند (همان). برای مثال واژه «قتل» در ذهن ما با معنای کشتن دشمن متبلور می‌شود. اما باید دانست که معانی آن در انطباق با فاعل‌های متفاوت تغییر معنایی پیدا می‌کند. باید دانست که در زبان‌شناسی جدید این مفهوم کلی در بافت

کلامی جدید و در هم‌جواری با واژه‌های مترادف، هم‌نشین و متضاد از مصادیق متنوعی برخوردار می‌شود که باید مد نظر قرار گرفته شود تا همانند زبان‌شناسی سنتی از بین معانی و مصادیق گوناگون واژه «قتل» فقط مصداق کشتن را تعمیم ندهیم بلکه متناسب با بافت و فاعل جدید از معانی متناسب آن برخوردار شویم.

۲. مسأله منطقه فعال

در جمله‌های زبانی معمولاً با پدیده منطقه فعال روبه‌رو هستیم. وقتی دو چیز در یک موقعیت مشارکت دارند، تنها ابعاد خاصی از آن‌ها به طور مستقیم با هم در ارتباط‌اند. به عنوان مثال در آیه:

﴿وَمَا لَكُمْ لَا تَقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا﴾ (نساء/۷۵)

واژه «تقاتلون» به دلیل هم‌نشینی با «فی سبیل الله»، «المستضعفین»، «الظالم» و «نصیرا» از مفهوم کلی آزار و اذیت شدید خارج شده و معنای جنگیدن در راه خداوند را مصداق گرفته است. قید فی سبیل الله، واژه را از کشتن مذموم هم خارج کرده و کشتن را منوط به دفاع از مظلوم و در راه خداوند می‌داند چه بسا فحوای خطاب با این قید، همه جنگ‌ها را مجاز ندانسته است.

۳. انعطاف پذیری

گاهی برای تعیین یک چیز باید به قلمروهای مختلفی از معارف اشاره کنیم. در آیه:

﴿إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعْدًا عَلَيْهِ حَقٌّ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِبَيْعِكُمُ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ (توبه/۱۱۱)

به دلیل وارد شدن در قلمرو زمانی و مکانی مدینه متوجه می‌شویم که منظور از «یقاتلون»، جنگ تبوک است، جنگی که عده‌ای از مسلمانان به دلیل تأثیرپذیری از منافقان و یهودیان از شرکت در آن تعلل ورزیده و با دلایل واهی اجازه مرخصی از

پیامبر(ص) می‌گرفتند تا در جنگ با مسیحیان شرکت نکنند. پدیده منطقه فعال و شبکه قلمروها سبب می‌شود معنا انعطاف پذیر باشد و در سیاق‌های مختلف بخش خاصی از اطلاعات برجسته شود.

واژه جهاد از نگاه واژه‌شناسان

۱. جهاد از نظرگاه ابن منظور

صاحب «لسان العرب» لغات «جهد و اجهد»، را به معنای فراتر از توان می‌داند و با تأسی از شعر/عشی، معنای مورد نظرش را تأیید می‌کند.

فجالت و جال لها اربع جهدنا لها مع اجهادها

(ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱۳۳)

- چهار تن از قهرمانان وارد میدان جنگ شدند، ما هم به دنبال سعی و تلاش آنان، تلاش کردیم به خوبی با آنها بجنگیم

۲. جهاد از نظرگاه فیومی

صاحب «مصباح المنیر» گفته «الجهد» با ضم جیم از لهجه‌های حجازی و با فتح در لهجه غیر حجازی به کار رفته است. این دو تلفظ از واژه را به معنای وسعت و طاقت در نظر گرفته است. فیومی در ادامه می‌گوید: گفته شده «الجهد» با ضمه به معنای طاقت است و با فتحه به معنای مشقت و سختی. البته «الجهد» با فتحه معنایی غیر از معنای قبلی نمی‌تواند داشته باشد؛ چراکه به معنای نهایت و غایت است. به نهایت رسیدن، از خانواده مشقت و سختی است و منظور از «جهد البلاء» را کسی می‌داند که در راه خداوند جهاد می‌کند؛ یعنی نهایت مشقت و سختی را از بلا و جنگ، متحمل می‌شود (فیومی، ۱۴۱۴ق: ۱۱۲).

۳. جهاد از نظرگاه ابن فارس

قدر مشترک ابن فارس از معنای «جهد»، همان معنای اساسی و مرکزی کلمه، مشقت و توان، است (ابن فارس، ۱۴۰۴ق: ۱، ۴۸۶). بنابراین در آیه:

﴿وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ﴾ (توبه/۷۹)

واژه «جهدهم» را ابن فارس مغایر با فیومی که آن را به معنای «کم و ناچیز» می‌داند، به معنای طاقت در نظر گرفته است. بنابراین منظور از «جهاد» و مشتقات آن در آیات مائده/۵۴، ۵۳، ۳۵؛ انعام/۱۰۹؛ فاطر/۴۲؛ نور/۵۳؛ نحل/۳۸؛ توبه/۲۴، ۱۶، ۲۰ و ۸۶، ۴۱، ۸۸؛ نساء/۹۵؛ انفال/۷۲، ۷۴ و ۷۵؛ عنکبوت/۶۹؛ حجرات/۱۵، بذل طاقت و سعی فراوان که به انتهای ممکن خود رسیده باشد و از حد نهایی غایت و وسعت بهره‌مند گردد است.

۴. جهاد از نظرگاه صاحب بن عباد

صاحب «المحیط فی اللغة» «جهاد» را به معنای «قاتلتهم» می‌داند (صاحب بن عباد، ۱۴۱۴ق: ۳۷۰). به نظر می‌رسد ایشان علاوه بر در نظر نداشتن بافت متن (هم‌زمانی) و سیر نزول (در زمانی) از معنای اساسی کلمه هم غافل مانده؛ چراکه در شعر جاهلی به عنوان بافت ادبی قبل از قرآن، معنای جهاد را جنگ با دشمن نمی‌دانند. همچنان که در شعر آمده:

يعود ثرى الأرض الجهاد، وينبت
الجهاد بها، والعود ريان اخضر
(ابن منظور، ۱۴۱۴ق: ۱۳۴)

- زمین نمناک به زمین خشن و خشک تبدیل می‌شود و در آن گیاهانی که روزی از طراوت و سبزی برخوردار بودند به گیاهانی خشک و خشن و سخت تبدیل شد ما حاصل کلام اینکه عرب جاهلی «جهاد» را به معنای جنگ ندانسته بلکه آن را به معنای سختی و مشقت و توان می‌دانسته؛ همانطور که مفسر ادیب و لغت‌دان برجسته، مرحوم طبرسی هم در ذیل آیه ۲۱۷ سوره بقره می‌گوید: «جاهدت العدو» یعنی در جنگ با دشمن مشقت را بر خود هموار ساخت (طبرسی، ۱۳۷۲ش: ۵۵۱).

رابطه هم‌نشینی و چیستی آن

سوسور انواع رابطه‌های ساختاری را بر دو نوع تقسیم کرده است و آن دو را رابطه هم‌نشینی و رابطه جانشینی اصطلاح کرده است. رابطه هم‌نشینی میان واحدهایی برقرار

می‌شود که همگی مستقیماً در یک ساخت حاضرند؛ به دیگر عبارت، یعنی پیوندهایی حاضر، در بین واژگان. پیوند هم‌نشینی، پیوندی است که میان واژگان مختلف در یک زنجیره گفتاری مشاهده می‌شود؛ مثلاً در جمله «من به خانه دوستم رفتم»؛ «من»، «خانه»، «دوست» و «رفتم»، چهار جزء زنجیره گفتاری را تشکیل می‌دهند؛ یعنی آن‌ها جزئی از یک زنجیره حقیقی هستند (نک: فکوهی، ۱۳۸۶ ش: ۱۸۶؛ احمدی، ۱۳۸۲ ش: ۱۰۰).

تعداد آیات مکی و مدنی جهاد و هم‌نشینی‌های آن

واژه «جهاد» به همراه مشتقات آن چهل مرتبه در قرآن کریم تکرار شده است. معنای اولیه «جهاد» سختی، مشقت و توان بوده که با ورود بن‌مایه این معنا در قرآن و با در نظر داشتن فرهنگ و جغرافیای مکانی، در راستای فضای مکی و مدنی، تحمل سختی‌ها و مشقت‌ها در مبارزه با هوای نفس به دشمن بیرونی (مشرکین، منافقان، یهود)، تغییر کاربری داده است. نهادینه شدن معنای اساسی جهاد در فرهنگ مدنی قرآن برگرفته از مشقات نفس بوده؛ چراکه در این مسیر باید در اثر مجاهدت و تلاش از بذل جان و مال در راه خداوند کم‌ترین دریغی نباشد.

طبق بررسی آماری، بیش‌ترین واژگانی که با جهاد هم‌نشینی شده‌اند، عبارت است از: ایمانهم ۵ مرتبه، فی سبیل ۲ مرتبه، فی سبیلی ۱ مرتبه، فی سبیل الله ۱۶ مرتبه که از بالاترین بسامد هم‌نشینی برخوردار است، کافرین ۲ مرتبه، جاهد هم ۱ مرتبه، جاهدوا فی الله ۱ مرتبه، مطّوعین ۱ مرتبه، واغلظ ۱ مرتبه، لتشرک ۱ مرتبه، أن تُشرک ۱ مرتبه، جهاداً کبیراً ۱ مرتبه، هاجروا ۷ مرتبه، صبر ۳ مرتبه، اتقوا الله ۱ مرتبه، بأموالهم وأنفسهم ۸ مرتبه، ولیجة ۱ مرتبه، آمنوا ۲ مرتبه، جهاده ۱ مرتبه، لنهدينهم ۱ مرتبه، قاعدون ۱ مرتبه.

جدول تکرار واژه جهاد و مشتقات آن

عنوان سوره	ترتیب نزول دروزه	ترتیب نزول مصحف	مکان نزول سوره
بقره	۸۷	۲	مدنی
محمد	۹۵	۴۷	مدنی
نساء	۹۲	۴	مدنی
فصلت	۶۱	۴۱	مکی

حوزه معنایی جهاد و واژه‌های هم‌نشین آن با تکیه بر سیر نزول / ۸۹

مدنی	۴۹	۱۰۶	حجرات
مدنی	۸	۸۸	انفال
مدنی	۳	۸۹	آل عمران
مکی	۳۱	۵۷	لقمان
مدنی	۶۶	۱۰۷	تحریم
مکی	۲۹	۸۵	عنکبوت
مدنی	۲۲	۱۰۳	حج
مدنی	۶۰	۹۱	ممتحنه
مکی	۲۵	۴۲	فرقان
مدنی	۹	۱۱۳	توبه
مکی	۳۵	۴۳	فاطر
مدنی	۲۴	۱۰۲	نور
مکی	۱۶	۷۰	نحل
مکی	۶	۵۵	انعام
مدنی	۵	۱۱۲	مائده

جدول هم‌نشین‌های واژه جهاد با بسامد تکرار

بسامد تکرار	مکی و مدنی بودن سوره	ترتیب نزول بر اساس تفسیر دروزه	عنوان سوره	شماره آیه	هم‌نشین‌ها	واژه جهاد و مشتقات آن
۱ مرتبه	مدنی	۱۱۲	مائده	۵۳	ایمانیهم	جهد
۱ مرتبه	مکی	۵۵	انعام	۱۰۹	ایمانیهم	جهد
	مکی	۷۰	نحل	۳۸	ایمانیهم	جهد
۱ مرتبه	مدنی	۱۰۲	نور	۵۳	ایمانیهم	جهد
۱ مرتبه	مکی	۴۳	فاطر	۴۲	ایمانیهم	جهد
۱ مرتبه	مکی	۴۲	فرقان	۵۲	کافرین	جهاداً
۱ مرتبه	مدنی	۹۱	ممتحنه	۱	فی سبیلی	جهاداً
۱ مرتبه	مدنی	۱۰۳	حج	۷۸	جاهدوا فی الله	جهاده
۱ مرتبه	مدنی	۱۱۳	توبه	۱۹	فی سبیل الله	جاهد

١ مرتبه	مدنی	١١٣	توبه	٧٣	وَأَغْلَظْ	جَاهِدْ
١ مرتبه	مکی	٨٥	عَنْكَبُوتٍ	٦	يُجَاهِدْ	جَاهِدْ
١ مرتبه	مدنی	١٠٧	تَحْرِيمِ	٩	وَأَغْلَظْ	جَاهِدْ
١ مرتبه	مکی	٨٥	عَنْكَبُوتِ	٨	لِتُشْرِكَ	جَاهِدَاك
١ مرتبه	مکی	٥٧	لِقَمَانِ	١٥	أَنْ تُشْرِكَ	جَاهِدَاك
١ مرتبه	مکی	٤٢	فِرْقَانِ	٥٢	جِهَادًا كَبِيرًا	جَاهِدْهُمْ
١ مرتبه	مدنی	٨٧	بَقْرَةَ	٢١٨	هَاجِرُوا وَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ	جَاهِدُوا
١ مرتبه	مدنی	٨٩	آلِ عِمْرَانَ	١٤٢	الصَّابِرِينَ	جَاهِدُوا
١ مرتبه	مدنی	١١٢	مَائِدَةَ	٣٥	اتَّقُوا اللَّهَ وَ فِي سَبِيلِهِ	جَاهِدُوا
١ مرتبه	مدنی	٨٨	أَنْفَالَ	٧٢	بِأَمْوَالِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ	جَاهِدُوا
١ مرتبه	مدنی	٨٨	أَنْفَالَ	٧٤	هَاجِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ	جَاهِدُوا
١ مرتبه	مدنی	٨٨	أَنْفَالَ	٧٥	هَاجِرُوا	جَاهِدُوا
١ مرتبه	مدنی	١١٣	توبه	١٦	وَلِيَجِئَ	جَاهِدُوا
١ مرتبه	مدنی	١١٣	توبه	٢٠	فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَ هَاجِرُوا وَ آمَنُوا	جَاهِدُوا
١ مرتبه	مدنی	١١٣	توبه	٤١	انْفِرُوا	جَاهِدُوا
١ مرتبه	مدنی	١١٣	توبه	٨٦	آمَنُوا	جَاهِدُوا
١ مرتبه	مدنی	١١٣	توبه	٨٨	آمَنُوا وَ بِأَمْوَالِهِمْ	جَاهِدُوا
١ مرتبه	مکی	٧٠	نَحْلِ	١١٠	هَاجِرُوا وَ اصْبِرُوا	جَاهِدُوا
١ مرتبه	مدنی	١٠٣	حَجِّ	٧٨	جِهَادِهِ	جَاهِدُوا
١ مرتبه	مکی	٨٥	عَنْكَبُوتِ	٦٩	لِنَهْدِيَنَّهُمْ	جَاهِدُوا
١ مرتبه	مدنی	١٠٦	حَجَرَاتِ	١٥	أَمْوَالِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ	جَاهِدُوا
١ مرتبه	مکی	٨٥	عَنْكَبُوتِ	٦	جَاهِدُوا لِنَفْسِهِ	يُجَاهِدْ

۱ مرتبه	مدنی	۱۱۳	توبه	۴۴	بأموالهم	يُجاهدوا
۱ مرتبه	مدنی	۱۱۳	توبه	۸۱	كِرْهُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ	يُجاهدوا
۱ مرتبه	مدنی	۱۱۲	مائده	۵۶	فِي سَبِيلِ اللَّهِ	يُجاهدون
۱ مرتبه	مکی	۶۱	فصلت	۱۱	فِي سَبِيلِ اللَّهِ	تُجاهدون
۱ مرتبه	مدنی	۹۲	نساء	۹۵	فِي سَبِيلِ اللَّهِ	المُجاهدون
۱ مرتبه	مدنی	۹۲	نساء	۹۵	بأموالهم	المُجاهدين
۱ مرتبه	مدنی	۹۵	محمد	۳۱	صابرين	المُجاهدين

أيمانهم

۱. بررسی لغوی أيمانهم

«أيمانهم» ۳۶ مرحله در قرآن به کار رفته است که از این میان تنها در ۵ مورد به عنوان یکی از هم‌نشین‌های مرتبط با «جهاد» همراه شده است که در واقع رابطه مضاف و مضاف الیهی دارد. در این استعمال، «أيمانهم» جمع «یمین» به معنی سوگند است، و در اصل یمین به معنی دست راست می‌باشد، اما از آنجا که به هنگام سوگند و بستن عهد و پیمان دست راست را به هم می‌دهند، و قسم یاد می‌کنند، این کلمه تدریجاً در معنی سوگند به کار رفته است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ ش: ۲۹۳).

۲. بررسی هم‌نشینی جهاد با أيمانهم در سوره مکی فاطر

ترکیب «أيمانهم» با «جهاد» را در دو آیه براساس ترتیب نزول مورد بررسی قرار خواهیم داد:

﴿وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِن جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَّيَكُونُنَّ أَهْدَىٰ مِنَ الْإِنْمَارِ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَّا زَادَهُمُ اللَّتْفُورًا﴾ (فاطر/۴۲)

از آنجا که این سوره مکی است محتوای عمومی سوره‌های مکی، سخن از «مبدأ» و «معاد» و «مبارزه با شرک»، و دعوت رسالت انبیاء، و ذکر نعمت‌های پروردگار و سرنوشت مجرمان در روز جزا در آن کاملاً منعکس است (همان). بر حسب شرایط سخت اقتصادی، سیاسی و اجتماعی که مشرکان در مکه، لحظه به لحظه بر پیامبر (ص) و مسلمانان اولیه وارد می‌آوردند، لازم بود خداوند به مسأله رهبری انبیاء و مبارزه پیگیر و

مستمرشان با دشمنان لجوج و سرسخت جهت دلداری پیامبر اسلام(ص) اشاره‌ای تبیین‌گرا داشته باشد؛ به دیگر عبارت سوگند مؤکد مشرکان همانند سوگندهایی است که سایر پیروان نسبت به انبیاء خود داشتند و به عهد و پیمانی که بسته بودند وفادار نماندند، مشرکان قریش نیز همچون اقوام گذشته نهایت تلاش خویش را مشغول عهدشکنی با پیامبر خویش داشته و با حس لجاجت تمام سعی خود را معطوف به اذیت مسلمانان کرده و از گسترش اسلام جلوگیری می‌کردند.

۳. بررسی هم‌نشینی جهاد با ایمانهم در سوره مدنی مائده

﴿وَيَقُولُ الَّذِينَ آمَنُوا هَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَمَعَكُمْ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَأَصْبَحُوا خَاسِرِينَ﴾ (مائده/۵۳)

با دقت در سوره مائده که مقارن با سال دهم هجری است، به وضوح می‌توان به فضای آرام جامعه اسلامی پی برد؛ پس از عبور از دوران پرمخاطره فتح مکه و جنگ‌های حنین و تبوک که آرامش به جامعه اسلامی رو کرده و قدرت پیامبر در شبه جزیره تثبیت گردید در قبال همه گروه‌ها، سیاست ملایم‌تری اتخاذ شده است. با این استقرار ثبات در جامعه اسلامی، باید منظور از آن‌ها را تازه مسلمانانی دانست که اسلام به نحو شایسته در قلب‌هایشان نهادینه نشده و یا در جهت کسب غنائم و یا حفظ جان با کراهت اسلام را پذیرا شدند؛ با این توصیف چون نسبت به اسلام و پیامبر(ص) به یقین نرسیدند، با یهود و مسیح به صورت پنهانی به برقراری ارتباط مبادرت ورزیدند(طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۳۷۶).

کافرین

۱. بررسی لغوی و بسامد واژه کافرین

«کافرین» با مشتقاتش ۵۲۴ مرتبه در قرآن به کار رفته است که از این تعداد در دو مورد به عنوان یکی از هم‌نشین‌های مرتبط با «جهاد»، در دو سوره فرقان و ممتحنه در قالب اسم مثنی و فعل ماضی همراه شده است.

«کافرین» از کلمه «کفر» به معنی پوشیدن چیزی است و در شعر جاهلی به این معنا

آمده است:

يعلو طريقَةً متنها متواترُ
فی لیلة کفر النجوم غمامها
(لبید، بی تا: ۲۳۱)

در این بیت «کفر» به معنای پوشاندن است؛ یعنی ابر ستاره‌ها را پوشاند. به تدریج این معنای مادی و محسوس، معنای غیر محسوس و پدیده‌های غیر مادی را نیز فراگرفت؛ مثل «ستر البرهان والدلیل». اما علاوه بر این، معانی زیر نیز در مفهوم کفر در قرآن وجود دارد: ۱- ناسپاسی و ناشکری که به پنهان داشتن یا نادیده گرفتن نعمت‌هاست. ۲- کافر در قرآن کسی است که نه تنها در برابر رحمت و بخشایش خداوندی در رفتار و کردار سپاسگزار نیست، بلکه در برابر ولی نعمت خود گردن‌فرازی می‌کند. ۳- این احساس ناسپاسی نسبت به رحمت و بخشایش، در تکذیب (یعنی دروغ بستن به خداوند و رسول او و پیام پیام آور) متجلی می‌گردد. ۴- کفر در نقطه مقابل ایمان. ۵- کفر به معنای انکار خالق که در اعمالی چون غرور و تکبر و گردن‌فرازی آشکار می‌شود (ایزوتسو، ۱۳۷۸ ش: ۲۴۱-۲۴۰).

۲. بررسی هم‌نشینی «کافرین» با «جهاد» در سوره مکی فرقان

در ادامه به بررسی این هم‌نشینی در دو سوره فوق می‌پردازیم:

﴿فَلَا تَطْعَمُ الْكٰفِرِيْنَ وَجٰهَدُهُمْ بِجِهَادٍ كٰبِرٍ﴾ (فرقان/ ۵۲)

توجه به آیه ۵۱ سوره فرقان که در حال آرامش بخشیدن بر قلب پیامبر (ص) و تسلی خاطر ایشان است؛ می‌توان به تثبیت ارزش کار پیامبر (ص) از ناحیه خداوند پی برد؛ چراکه خداوند اگر اراده می‌کرد، همانند قوم بنی اسرائیل پیامبران زیادی را به نبوت انتخاب می‌کرد؛ پس با این تخفیف از انبوه مشکلاتش کاست و او را با بهترین یاری‌گر (قرآن)، مورد حمایت قرار داد و از او خواست که این قرآن عظیم را به جمیع عالمیان ابلاغ فرماید و با این ابلاغ اختصاصی خواست بر منزلت رسولش بیفزاید.

سال‌هایی که مشرکان در مکه در اوج قدرت و انبوه یاران با گردن‌فرازی خویش، سعی در پوشش کلام وحی و قطع این ارتباط با مردم قریش را داشتند؛ چراکه زمانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله قرآن را بر مشرکین تلاوت می‌فرمود و آنان را به خدا دعوت می‌کرد آن‌ها از روی استهزاء می‌گفتند: «دل‌های ما در میان پوشش‌هایی است از

آنچه ما را به سوی آن می خوانید» و ما نمی فهمیم چه می گوئی (ابن هشام، ۱۳۷۵ ش: ۱۹۴)، «و در گوش های ما سنگینی است» و سخنان تو را نمی شنویم «و میان ما و تو حجاب و پرده ای است» که حائل میان ما و تو است «پس تو کار خویش را بکن و ما هم کار خود را» و ما چیزی از تو نخواهیم فهمید (اسراء/۵۱-۴۵).

﴿وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا﴾ یعنی در راه خدا به وسیله قرآن با آن ها جهادی شدید کن. از این آیه بر می آید که بهترین و بزرگ ترین جهاد در پیشگاه خدا، جهاد کسانی است که شبهه های دشمنان دین را باطل می کنند. ممکن است این حدیث: «رجعنا من الجهاد الا صغر فعلیکم بالجهاد الا کبر» (از جهاد کوچک تر برگشتیم. بر شما باد به جهاد بزرگ تر) ناظر به همین حقیقت باشد (طبرسی، ۱۳۷۲ ش: ۲۷۳). جهادی بزرگ به عظمت رسالت، و به عظمت جهاد تمام پیامبران پیشین، جهادی که تمام ابعاد روح و فکر مردم را در بر گیرد و جنبه های مادی و معنوی را شامل شود (نک: طباطبایی، ۱۴۱۷ ق: ۲۲۸؛ ملاحویش آل غازی، ۱۳۸۲ ق: ۹۱).

۳. بررسی هم نشینی کافرین با جهاد در سوره مدنی ممتحنه

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ تَلْقَوْنَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُوْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ حَرَجْتُمْ جِهَادًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ﴾ (ممتحنه/۱)

رسول خدا صلی الله پیامبر (ص) در فاصله سال های هفتم و هشتم هجری سعی داشت که بی خبر وارد مکه شود و از حرکت و عملیات او قریش مطلع نشوند ولی *حاطب بن ابی بلتعنه* (یکی از مهاجرین) نامه ای به قریش نوشت و جریان حرکت آن حضرت را در آن نامه درج کرد و آن را به زنی از قبیله مزینه (یا به گفته برخی کنیزی از بنی عبد المطلب که نامش ساره بود) سپرد، و مزد زیادی برای آن زن معین کرد که نامه را به قریش برساند. خدای تعالی آیه بالا را درباره *حاطب بن ابی بلتعنه* نازل فرمود (ابن هشام، ۱۳۷۵ ش: ۲۶۲). علامه طباطبایی در ذیل تفسیر این آیه می فرماید: «از زمینه آیات استفاده می شود که بعضی از مؤمنین مهاجر در خفا با مشرکین مکه رابطه دوستی

داشته‌اند، و انگیزه‌شان در این دوستی جلب حمایت آنان از ارحام و فرزندان خود بوده، که هنوز در مکه مانده بودند. این آیات نازل شد و ایشان را از این عمل نهی کرد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۲۲۶). بنابراین اگر به راستی دم از دوستی خدا می‌زنید و به خاطر او از شهر و دیار خود هجرت کرده‌اید، و طالب جهاد فی سبیل اللّٰه و جلب رضای او هستید این مطلب با دوستی دشمنان خدا سازگار نیست.

وَاعْلُظْ

۱. بررسی لغوی وَاغْلُظْ

«وَاغْلُظْ» با مشتقاتش ۴ بار در قرآن تکرار شده که از این تعداد ۲ بار با «جاهد»، هم‌نشین گردیده است. صاحب «مصباح المنیر» آن را به معنای خشونت، ضد نرمش می‌داند و منظور از «الغلظ» را زمین خشن، و «عذاب غلیظ» را درد شدید یا عذاب شدید می‌داند (فیومی، ۱۴۱۴ق: ۴۵۱).

«الغلظة» به معنای سختی و تندی، رابطه عمیقی با «جهد» دارد؛ چراکه در «جهد» نوعی سختی و مشقت وجود دارد که برای رسیدن به هدف باید نهایت سختی تحمل گردد، این معنا را می‌توان در واژه «غلظ» هم مشاهده کرد.

۲. بررسی وَاغْلُظْ در سوره مدنی توبه

می‌توان سایش و هم‌نشینی این دو واژه را در آیه:

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَهُمْ جَهَنَّمُ وَبئسَ الْمَصِيرُ﴾ (توبه/

۷۳)

مشاهده کرد. با تمرکز بر سوره توبه، به وضوح می‌توان به فضای متشنج جامعه اسلامی در مواجهه با منافقان و دشمنان درون مرزی اعم از مشرکان و یهودیان، و دشمنان برون مرزی، همچون امپراتوری روم پی برد. از این رو آیات این سوره در پی تثبیت قدرت پیامبر و مسلمانان، سنگین‌ترین عتاب‌ها را به سست ایمانان و منافقانی که از رشادت در جنگ حنین و به ویژه تبوک سر باز زده‌اند، روا داشته است. چنانکه همین

سیاست را در قبال دشمنان قسم خورده نیز اتخاذ کرده و فرمان قتل مشرکانی را که با مسلمانان عهد و پیمان نبسته یا پیمان شکنی نموده‌اند صادر کرده است.

۳. بررسی واغظ در سوره مدنی تحریم

﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَيَسَّ الْمَصِيرُ﴾

(تحریم/۹)

سوره تحریم در سال هشتم هجرت و پس از فتح مکه نازل شد. با فتح مکه، حاکمیت اسلام گسترش یافت و قبایل جزیره العرب گروه گروه وارد دین اسلام شدند و به تدریج اسلام در آنجا فراگیر شد. در این شرایط جریان نفاق برای بدست گرفتن قدرت پس از پیامبر، فعالیت خویش را افزایش داد و مخالفت‌های پراکنده را به فعالیتی سازمان یافته تبدیل کرد (معرفت، ۱۳۸۱ ش: ۷۴). تقارن نزول سوره‌های توبه و تحریم بعد از فتح مکه، باعث ارتباط محتوایی خاص و نزدیکی با هم شده است؛ به همین دلیل ارتباط معناداری بین تلاش‌های منافقان و بی توجهی گروهی از مسلمانان به شأن و مقام پیامبر (ص) وجود دارد.

سوره تحریم در این شرایط نازل شد و نشان داد که جریان توطئه به درون خانه پیامبر نیز نفوذ کرده است و برخی از همسران پیامبر نیز با این جریان هم‌دست شده و حتی اسرار خانه ایشان را نزد دیگران فاش می‌کنند؛ زیرا آنان تصور می‌کنند هم‌پیمانان آن‌ها و سران جریان نفاق و توطئه آنقدر قدرت دارند که پیامبر مجبور است در برابر آن‌ها کوتاه بیاید.

بنابراین مراد از «جهاد با کفار و منافقین»، بذل جهد و کوشش در اصلاح امر از ناحیه این دو طایفه است، و خلاصه منظور این است که با تلاش پیگیر خود جلوی شر و فساد که این دو طایفه برای دعوت دارند بگیرد، و معلوم است که این جلوگیری در ناحیه کفار به این است که حق را برای آنان بیان نموده، رسالت خود را به ایشان برساند، اگر ایمان آوردند که هیچ، و اگر نیاوردند با ایشان جنگ کند. و در ناحیه منافقین به این است که از آنان دلجویی کند و تألیف قلوب نماید (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۳۳۶).

صابرین

۱. صبر از نظر لغت

راغب می‌نویسد: «الْصَّبْرُ: الامساکُ فی ضیقٍ، یقالُ: صَبَرْتُ الدَّابَّةَ: حَبَسْتُهَا بِلاَ عَلفٍ؛ صبر، خویشتنداری در سختی است. معنای «صَبَرْتُ الدَّابَّةَ» این است که من فلان حیوان را در جایی بدون علف حبس کردم (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۳۷۲). این واژه در جاهلیت نیز از لغات کلیدی و از فضیلت‌های خاص صحرانشینان بوده است. شرایط سخت و خشن زندگی صحرانشینی، گرچه قدرت و نیروی بدنی ویژه‌ای می‌طلبید، اما کافی نبود و این قدرت جسمانی را باید نیرویی جوشیده از درون، پشتیبانی می‌کرد. آری این نیرو همان صبر و پایداری بود که همیشه و از هر کسی انتظار می‌رفت که برای حفظ هستی خویش و معیشت قبیله خود هم که شده، صبر و طاقت فوق العاده‌ای از خود نشان می‌دهد (ایزوتسو، ۱۳۹۳: ۱۲۷).

۲. صبر و هم‌نشینی آن با جهاد در سوره مکی نحل

در ادامه به بررسی این واژه در حوزه معنایی هم‌نشینی، مستند به دو آیه مکی و مدنی می‌پردازیم:

﴿ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا فُتِنُوا أَنْ جَاهِدُوا أَوْ صَبَرُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ

رُحِيمٌ﴾ (نحل/ ۱۱۰)

علامه طباطبایی در تفسیر آیه بیان می‌کند: کلمه «فتنه» در اصل به معنای بردن طلا در آتش برای آزمایش بوده سپس در همه آزمایش‌ها و شکنجه‌ها بکار رفته، و این جمله ناظر به شکنجه‌هایی است که مؤمنین صدر اسلام در مکه از قریش می‌دیدند چون مشرکین مکه مؤمنین را آزار می‌دادند تا شاید از دینشان برگردند، و بدین منظور انواع شکنجه‌ها را در باره آنان روا می‌داشتند حتی چه بسا که یک فرد مسلمان در زیر شکنجه کفار جان می‌داد، همچنان که عمار و پدر و مادرش را شکنجه کردند و پدر و مادرش در زیر شکنجه آنان جان دادند، و عمار به ظاهر از دین اسلام بیزار می‌جست و به این وسیله جان سالم به در برد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۳۵۵؛ نک: ابن هشام، ۱۳۷۵ش: ۱۹۹).

با عنایت به مطالب از پیش گفته شده در پیوند هم‌نشینی با استناد به سیر نزول، منظور از «مِنْ بَعْدِ مَا قُتِنُوا» ای عذبوا کعمار رضی الله تعالی عنه بالولاية والنصر (بیضاوی، ۱۴۱۸ق: ۲۴۲) می‌باشد و در «ثُمَّ جَاهِدُوا وَصَبَرُوا»، تحمل مشقت‌های طریق است. با این ترکیب معنایی منظور از «لَعْفُورٌ رَّحِيمٌ»، از سوی خداوند این است که بنده را از اینکه عذاب به او برسد مصون می‌دارد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۷ق: ۶۰۹)؛ عذابی که محصول مهاجرت و سختی‌های آن می‌باشد نه عذاب برگرفته از گناه و معصیت.

۳. صبر و هم‌نشینی آن با جهاد در سوره مدنی آل عمران

﴿أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُدْخَلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصَّابِرِينَ﴾ (آل

عمران/۱۴۲)

سوره آل عمران در سال چهارم هجری و پس از شکست مسلمانان در جنگ احد موجب شد دشمنان اسلام، یعنی اهل کتاب، مشرکان و منافقان، برای مقابله با اسلام مصمم‌تر شوند و تلاش خود را برای خاموش کردن نور اسلام دوچندان کنند. در چنین شرایطی سوره آل عمران نازل شد و از یک سو با ارائه حقایق پیرامون نادرستی راه و اندیشه مخالفان اسلام، مسلمانان را در برابر تهاجم فرهنگی و دینی دشمنان تقویت نموده و آن‌ها را به ادامه راه خود دلگرم کرد، و از سوی دیگر با آسیب شناسی شکست مؤمنان در جنگ احد، آن‌ها را به وحدت کلمه و کسب آمادگی لازم برای مقابله با دشمنان نظامی، سیاسی فراخواند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۵).

/بن عاشور در ذیل تفسیر آیه ۱۴۲ آل عمران می‌گوید: «وذلك أنهم لما مستهم القرع فحزنوا واعتراهم الوهن حيث لم يشاهدوا مثل النصر الذي شاهدوه يوم بدر» (ابن عاشور، بی تا: ۲۳۳).

فی سبیل الله

۱. فی سبیل الله در لغت

«فی سبیل الله»، ۴۳ مرتبه در قرآن به کار رفته که از این تعداد، در ۱۶ مورد به عنوان یکی از هم‌نشین‌های مرتبط با «جهاد» همراه شده است که در واقع، رابطه جار و

مجرور دارد و در استعمال قرآنی، «سبیل» به معنای «طریق و راه» است که جمع آن برای مؤنث، «سبول» و برای مذکر، «سُبُل» است (نک: ابن حجر عسقلانی، ۱۴۱۳ق: ۴۳۶؛ مصطفوی، ۱۴۳۰ق: ۵۱). بین صراط، طریق و سبیل تفاوت‌هایی است؛ صراط، راه آسان می‌باشد و طریق، بر عکس آن؛ یعنی راهی که آسان و راحت نباشد و سبیل (اسم) یَقَعُ عَلَيْهِ الطَّرِيقُ وَعَلَى مَا لَا يَقَعُ عَلَيْهِ الطَّرِيقُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَسَبِيلِ الرَّسُولِ وَسَبِيلِ الْمُؤْمِنِ، راه حق هستند که در مقابل این‌ها، راه کفر و گمراهی قرار دارد (عسکری، ۱۴۰۰ق: ۲۴۶).

۲. فی سبیل الله و هم‌نشینی آن با جهاد در سوره فرقان

بررسی قرآنی موضوع را متناسب با سور مکی و مدنی به درک و نظر می‌رسانیم:

﴿وَلِنْ جَاهِدَكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَىٰ تُوغَّىٰ إِلَىٰ مَرْجِعِكُمْ فَأَتِيكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ (لقمان/۱۵)

این نخستین بار نیست که قرآن به این مسأله مهم انسانی اشاره می‌کند، قبلاً در سوره اسراء آیه ۲۳ و عنکبوت آیه ۸ اشاره شده و بعداً در سوره احقاف آیه ۱۵ نیز به این موضوع مهم اشاره شده است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش: ۲۱۸). بعد از علنی شدن دعوت پیامبر، در اواخر سال سوم بعثت «پیغمبر مر علی بن ابی طالب را گفت که خویشان مرا پسران هاشم و عبد مناف را ضیافتی بساز تا ایشان را گرد کنیم و پیغام خدای عز و جل بدیشان برسانم. علی طعامی بساخت. و همه پسران هاشم و عبد مناف را بخواند و بسیار مردم را گرد کرد. و خویشان او همه بیامدند. پیغامبر علیه السلام گفت: ای خویشان و عمان من، بدانید که من پیغامبر خدایم بر همه جهان خاص و عام، و به شما خاصه. به خدای بگروید و به رسالت من که محمدم، و بتان را می‌پرستید. کیست از شما عمان و عمزادگان که مرا پاسخ کند بدین سخن، تا من او را خلیفت خویش کنم و مهتری قریش و آن همه تازیان و پارسیان و روم و شام مر او را دهم که تازیان و پارسیان همه این دین بپذیرند و هیچ کس پاسخ نداد. علی گفت: اگر از ایشان کس سخن نگوید من باری به تو گرویدم. پیغمبر گفت: تو به من گرویدی و بر ایشان همه مهتری و برادر منی و اندر خور منی پس پیغامبر علیه السلام همچنین خلق را باشکارا همی خواند» (نک: بلعمی،

۱۳۷۳ش: ۴۵-۵۲؛ طبری، ۱۳۷۵ش: ۸۷۲)، مسلمانان مورد شکنجه شدید مشرکان مکه قرار گرفته به صورتی که مسلمانان در خانواده‌های خویش هم مورد رنجش قرار گرفته بودند به صورتی که سران قریش هم سخن شدند که فرزندان و برادران و افراد قبیله خویش را از مسلمانی بازگردانند و کار را بر پیروان پیغمبر سخت کردند و بعضی از دین خود برگشتند و بعضی دیگر را خدا حفظ کرد (طبری، ۱۳۷۵ش: ۸۷۲). با پیشآمد این وضعیت، در مکه سوره‌های اسراء، عنکبوت، لقمان نازل گردید و با طرح راهبرد خویش، چگونگی برخورد فرزندان مسلمان با والدین مشرک خویش را تداعی کرده و با رفتاری نرم، ساختار شکنجه و خصومت والدین را برای فرزندان تعدیل کرده و فرزندان مسلمان چگونگی برخورد با والدین مشرک خویش را یاد گرفته و با رعایت ادب و احترام نسبت به آنان از اندیشه‌های اسلامی خویش نیز تا سرحد جان دفاع کردند. بعد از تنگ‌تر شدن حلقه فشارها و شکنجه‌ها در اوایل سال چهارم بعثت با نازل شدن سوره انبیاء قوم پیامبر را همچون امت‌های پیشین، در رفتار و پذیرش موعظه، لجوج و جاهل می‌داند که با این تبیین به نوعی آرامش را بر پیامبر و مسلمانان در آن شرایط خفقان حاکم می‌کند و بعد از آن به پشتوانه حمایت بیش‌تر از پیامبر، سوره احقاف در نیمه سال چهارم بعثت نازل می‌شود و با ایجاد ثبات و روحیه استکبارستیزی و بالا رفتن بینش جهادی و اسلامی در اوایل سال پنجم بعثت برای حفظ جان مسلمانان دستور مهاجرت اولیه به حبشه توسط پیامبر صادر گردید.

ما حصل هم‌نشینی بین «جهاد» و «فی سبیل الله» با رویکرد تاریخی را می‌توان اینگونه بیان کرد: در این راه اگر پدر و مادر به تو اصرار کردند که چیزی را که علم بدان نداری و یا حقیقت آن را نمی‌شناسی شریک من بگیری، اطاعتشان مکن، و برای من شریکی انتخاب نکن (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۳۲۳) و مُصِرِّ باش راه کسانی که با خدا هستند را انتخاب و پیروی کنی.

۳. هم‌نشینی فی سبیل الله با جهاد در سوره توبه

﴿أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ أَمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ (توبه/ ۱۹)

واقدی در «المغازی» می‌گوید: «چون پیامبر(ص) تصمیم به حرکت برای جنگ تبوک گرفت منافقان شروع به بهانه آوردن کردند و بیماری و سختی راه را بهانه ساختند: ﴿يُهْلِكُونَ أَنْفُسَهُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ﴾ (توبه/۴۲)؛ منظور آن است که خود را در آخرت تبه می‌کنند و خداوند می‌داند که آن‌ها سالم و توانای‌اند. پیامبر(ص) بهانه ایشان را می‌پذیرفت و به آن‌ها اجازه می‌فرمود که در جنگ شرکت نکنند و در این مورد این آیه نازل شد: ﴿عَفَا اللَّهُ عَنْكَ لِمَ أَذْنَبْتَ لَهُمْ حَتَّىٰ يَتَّبِعَنَّ لَكَ الَّذِينَ صَدَقُوا﴾ (توبه/۴۳) «واقدی، ۱۳۶۹ش: ۷۵۳».

در تکمیل گزارش واقدی باید اظهار داشت که منافقانی همچون عبدالله بن ابی و پیروان وابسته به یهود به اسلام ایمان نیاورده بودند تا مشمول «فاسقین» در آیه ۵۳ توبه قرار بگیرند و از طرفی قرآن، اسلام زبانی این تازه مسلمانان را با آیه ۴۵ توبه به نشانه رفته و دلیل بهانه‌گیری‌ها و عدم شرکتشان در جنگ تبوک را ناشی از بی‌ایمانی آنان می‌داند؛ چراکه مؤمنین واقعی برای حضور در میدان رزم هرگز به دنبال بهانه نبوده بلکه با اشتیاق و میل به شهادت شرکت می‌کردند. از طرفی در آیه ۱۹ توبه به تقابل اهل سقایه و عماره المسجد الحرام با ایمان آورندگان به خدا و کسانی که در راه خدا با جان و مال شرکت می‌کنند اشاره نص‌گونه شده است. مرحوم علامه هم در تفسیر آیه می‌گوید: «در آیه شریفه در یک طرف مقابله «سِقَايَةَ الْحَاجِّ» و «عِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ» بدون هیچ قید زائدی آمده، و در طرف دیگر آن، ایمان به خدا و روز جزا، و یا به عبارتی جهاد در راه خدا با قید ایمان قرار گرفته است، و این خود به خوبی می‌رساند که منظور از سقایت و عمارت در آیه، سقایت و عمارت خشک و خالی و بدون ایمان است، ذیل آیه هم که می‌فرماید: ﴿وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ بنا بر اینکه تعریض به اهل سقایت و عمارت باشد به خاطر کفر و ظلمشان چنانکه متبادر از سیاق هم همین است نه تعریض به خیال باطلی که کرده و حکم به تساوی نموده‌اند، این نکته را تأیید می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق: ۲۰۳). بنابراین با قاطعیت می‌توان گفت پرده داری کعبه بر عهده قریشیان و ذی نفوذان آن منطقه بوده نه منافقان ساکن در مدینه. همچنین خداوند در جنگ احد ماهیت منافقان را بر پیامبر مسجل کرده بود که پیامبر از جدایی چهارصد نفر از آنان در آن جنگ کم‌ترین ناراحتی به خود راه نمی‌دهد و بسیار خوشحال است که این جرثومه

فساد از لشکر اسلام جدا گردیده است. از طرفی لزومی نیست که ماهیت این گروه بحرانی تا سال نهم هجری بر پیامبر پوشیده شده باشد؛ بنابراین منظور مشرکان تازه مسلمان شده‌ای است که در لباس جدید نفاق با درس گرفتن از منافقان اولیه مدینه در اسلام پوست اندازی کرده و در حال رشد می‌باشند و به همین دلیل در آیه ۵۰ توبه خداوند به پیامبرش امر می‌فرماید تا زمانی که ماهیت این گروه نفاق مشخص نشده است مغلوب دروغ‌های آنان قرار نگیرد. همچنین رهبری این موج از نفاق را افرادی همچون *ابوسفیان* بر عهده داشته؛ چراکه به نظر می‌رسد در آن اوضاع متشنج، سردسته منافقان، *عبدالله بن ابی* بر اثر بیماری از دنیا رفت؛ *ابن عبد البرهم* در «الاستیعاب» مرگ *عبدالله* را مقارن نزول سوره توبه در سال نهم هجری می‌داند و می‌گوید: «فلما مات سألہ ابنہ الصلاة علیہ، فنزلت: ﴿وَلَا تُصَلِّ عَلَىٰ أَحَدٍ مِّنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَىٰ قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ فَالِقُونَ﴾» و سألہ أن یکسوه قمیصه یکفن فیہ، لعلہ یخفف عنہ، ففعل» (ابن عبدالبر، ۱۴۱۲ق: ۹۴۱).

با استناد به تاریخ نزول آیه و هم‌نشینی واژگان «جهاد فی سبیل الله»؛ بذل جان و مال و تحمل سختی‌های آن برای جنگیدن با رومیان سرکشی است که به پیامبر پاسخ منفی در ایمان آوردن می‌دهند، خصیصه‌ای که تازه مسلمانان (مؤلفه قلبوبهم) از آن به دور بوده‌اند و در پوشش نفاق هدف خویش را معطوف ضربه وارد آوردن بر پیکره اسلام می‌دانستند.

نتیجه بحث

جهاد از واژگان مستعمل در قرآن است که طبق روال خاص بر روی یک محور افقی در کنار دیگر واژگان هم‌نشین، زنجیره گفتاری را ایجاد کرده که حامل این زنجیره؛ پیام معناداری است که به مرور زمان دستخوش تحولات معنایی می‌گردد. جهاد به واسطه این حس هم‌بستگی، متأثر از محیط مدنی، کم کم از توسیع معنایی مشقت و تحمل سختی‌ها تخصیص خورده و دایره معنایی‌اش در استعمالات، با بهره مندی از معنای اولیه و اساسی، در مفهوم مبارزه بر علیه دشمن بیرونی، نمود پیدا کرده است.

کتابنامه

قرآن کریم

کتب عربی

- ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی. ۱۴۱۳ق، **التهذیب**، قم: انتشارات دار الاحیاء التراث العربی.
- ابن عاشور. بی تا، **التحریر والتنویر**، بیروت: مؤسسة التاریخ.
- ابن عبدالبر. ۱۴۱۲ق، **الاستیعاب فی معرفة الأصحاب**، تحقیق علی محم الجاوی، بیروت: دار الجیل.
- ابن فارس، احمد. ۱۴۰۴ق، **معجم مقاییس اللغة**، قم: مکتب الاعلام الاسلامی.
- ابن منظور، محمد بن مکرم. ۱۴۱۴ق، **لسان العرب**، بیروت: دار الفکر للطباعة.
- بیضاوی، عبدالله بن عمر. ۱۴۱۸ق، **أنوار التنزیل وأسرار التأویل**، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
- دروزه، محمد عزت. ۱۳۸۳ق، **التفسیر الحدیث**، قاهره: دار احیاء الکتب العربیه.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. ۱۴۱۲ق، **المفردات لألفاظ القرآن**، بیروت: دار القلم.
- ربیعہ العامری، لبید. بی تا، **الدیوان**، مقدمه وشرح لابراهیم جزین، بیروت: دار القاموس.
- زیبیدی، مرتضی. ۱۳۷۳ش، **التاج العروس من جواهر القاموس**، بیروت: التراث العربی.
- صاحب بن عباد. ۱۴۱۴ق، **المحیط فی اللغة**، بیروت: عالم الکتب.
- طباطبایی، محمدحسین. ۱۴۱۷ق، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- طبرسی، فضل بن حسن. ۱۳۷۲ش، **المجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تهران: ناصرخسرو.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر. ۱۴۱۲ق، **جامع البیان فی تفسیر القرآن**، بیروت: دار المعرفه.
- عسکری، حسن بن عبدالله. ۱۴۰۰ق، **الفروق اللغویه**، بی جا: انتشارات دار الآفاق الجدیدة.
- فراهیدی، خلیل بن احمد. ۱۴۱۴ق، **العین**، قم: انتشارات اسوه.
- فیومی، احمد بن محمد. ۱۴۱۴ق، **مصباح المنیر**، قم: مؤسسه دار الهجرة.
- مصطفوی، حسن. ۱۳۶۸ش، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ملاحویش آل غازی، سید عبدالقادر. ۱۳۸۲ق، **بیان المعانی**، دمشق: مطبعة الترقی.

کتب فارسی

- ابن هشام. ۱۳۷۵ش، **سیره نبوی**، ترجمه سید هاشم رسولی، تهران: انتشارات کتابچی.
- احمدی، بابک. ۱۳۸۲ش، **ساختار و تأویل متن**، تهران: نشر مرکز.

- ایزوتسو، توشیهیکو. ۱۳۷۸ش، **مفاهیم اخلاقی - دینی در قرآن**، ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: نقش فروزان.
- ایزوتسو، توشیهیکو. ۱۳۹۳ش، **خدا و انسان در قرآن**، ترجمه احمد آرام، تهران: شرکت سهامی انتشار.
- بلعمی. ۱۳۷۸ش، **تاریخنامه طبری**، تحقیق محمد روشن، تهران: البرز.
- پالمر، فرانک. ۱۳۸۷ش، **نگاهی تازه به معناشناسی**، ترجمه محمدرضا باطنی، تهران: انتشارات آگاه.
- سعیدی روشن، محمداقرا. ۱۳۸۵ش، **زبان قرآن و مسائل آن**، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- شبستری، مرتضی. ۱۳۶۰ش، **اخلاق اجتماعی (تفسیر سوره حجرات)**، تهران: بنیاد قرآن.
- صفوی، کوروش. ۱۳۸۷ش، **درآمدی بر معناشناسی**، تهران: انتشارات سوره مهر.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر. ۱۳۷۵ش، **تاریخ طبری**، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: اساطیر.
- فکوهی، ناصر. ۱۳۸۶ش، **تاریخ اندیشه و نظریه‌های انسان شناسی**، تهران: نی.
- قائم‌نیا، علیرضا. ۱۳۸۹ش، **بیولوژی نص**، تهران: انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- مختار عمر، احمد. ۱۳۸۶ش، **معناشناسی**، ترجمه حسین سیدی، مشهد: انتشارات دانشگاه فردوسی.
- معرفت، محمدهادی. ۱۳۸۱ش، **علوم قرآنی**، قم: مؤسسه فرهنگی التمهید.
- مکارم شیرازی، ناصر. ۱۳۷۴ش، **تفسیر نمونه**، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
- واقعی، محمد بن عمر. ۱۳۶۹ش، **مغازی**، ترجمه محمود مهدوی دامغانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

Bibliography

The Holy Quran

Ibn Manzur Muhammad ibn, Makram . 1414 AH, **the Arab language**, Beirut: Dar for mailing.

Ibn Faris Ahmed. 1404 AH, **Mu'jam Allghh sensors**, Qom: ALALAM school of Islam.

Ibn Hisham, 1375 Sun, **Alsyrh Alnbvyh**, Translator: Seyed Hashem messenger. Tehran: Ketabchi.

Ibn Abdolber, 1412 BC., **Alastyab Fi Alashab knowledge**, research: Ali Mohammad Albjavy. Beirut: Daraljyl.

Ibn Hajar, Ahmad ibn Ali. 1413 AH, **Althzyb**, Qom: al-Arabi publishing Daralahya' Altras.

Ibn Ashvr.by up, **Writing Valtvyr**, Beirut: Tarikh Institute.

Ahmadi, Babak. In 1382 **the structure of the text Vtavyl**, Tehran: Nshrmrkz.

Izutsu Toshihiko. 1393: Sun, **God and man in the Qur'an**, translated by Ahmad Aram. Tehran: Publishing Corporation.

Izutsu Toshihiko. 1378: Sun, **religious-ethical concepts in the Qur'an**, translation of F. Badra. Tehran: blazing role.

- balami.1378 **swallow start in history Tabari**, R: Mohammad Roshan, Tehran: Alborz.
- 1 Baydawi, Abdullah bin Omar. 1418 AH, **Nvaraltnzyl Vasraraltavyl**, Beirut: Darahya' Altras al.
- Palmer, Frank. 1387, **a fresh look to semantics**, Translator: Mhmdrzabatny, Tehran: aware.
- Drvz·h, Mhmdzt; **Altfysr Hadith**, Cairo, Darahya' books Deutsch, 1383 BC.
- Raghib Isfahani, Hussein ibn Mohammad 1412. AH, **al Materia words**, Beirut: Daralqlm.
- Rbyh al-Ameri, Labid. Of the Court, **Introduction Vshrh**: Abraham Jezzine. Beirut: Daralqamvs.
- Zabid, morteza.1373 M, **the crown jewel Alrvs I Alqamvs**, Beirut: Altras al.
- Saeedi Roshan, Mohammad bagher.1385 **the language of the Qur'an issues**, Qom: Research Institute and the University area.
- shabestari, M .1360 Sun, **social ethics (interpretation of Sura cells)**, Tehran: Quran Foundation.
- sahib ibn Abbad- Ismail Ibn Abbad bin AH.1414, **almohit per Allghh**, Beirut: World Book Publisher.
- Safavi, Cyrus.1387, **Introduction to Semantics**, Tehran: Navideshahed.
- Tabarsi, Fazl ibn Hasan, **Al-Bayan fi Tafsir al Assembly**, Tehran: Naser Khosrow, 1372 n.
- Tabatabaei, Mohammad Hossein.1417 AH, **Al-Mizan fi Tafsir al-Quran**, Qom: Islamic Publications Society of Qom Seminary Teachers.
- Tabari, Ibn Jarir Abvjfrmhmd 1412. AH, **Al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an** comprehensive, Beirut: Press Daralmrfh.
- He was.1375, the **history of al-Tabari**, Translator: A. Long, Tehran: mythology.
- Askari Hassan ibn Abdullah AH.1400, **Alfrvq Allghvyh**, unwarranted, Aljdydh Daralafaq publications.
- fumes, Ahmad ibn Mohammad.1414 Ah, **Misbah Almnyr**, Qom: Daralhjr Institute.
- Farahidi, Khalil ibn Ahmad .1414 AH, **Al Ain**, Qom, publishing paradigm.
- Fkvhy, Nasser.1386, **intellectual history and theory, anthropology**, Tehran: straw.
- Ghaemi, AR .1389 Sun, **biology text**, Tehran: Islamic Research Institute of Culture thoughts.
- Mkhtarmr, Ahmad.1386 S, **semantics**, translator Hussein Sydy.mshhd: Ferdowsi University Press.
- marefatt, the MH.1381, **Quranic Sciences**, Qom: primer Cultural Institute.
- Mlahvysh Al Ghazi, Sydbdalqadr.1382 BC, said **Almany**, Damascus: Mtbh Altrqy.
- Mostafavi, Hassan.1368 Sun, **Inspection of words al-Karim**, Tehran: Ministry of Culture and Islamic Guidance.
- Makarem Shirazi, Naser.1374 **the interpretation**, Tehran: Daralktb Alaslamyh.
- al-Waqidi, Mohammad Omar was.1369, **Maghazi**, Translator: Mahmoud Mahdavi Damghani. Tehran: Nshrdanshgahy center.

Semantic Field of Jihad and Associated Terms by Emphasizing Descending Process

Ali Saeedi: PhD student in Quran and Hadith, Islamic Azad University, Isfahan Branch (Khorasgan), Isfahan, Iran

Amir Ahmad Nejad: Associate Professor and Faculty Member, Department of Quran and Hadith, University of Isfahan, Isfahan, Iran

Abstract

Semantics studies meanings. "Meaning" is knowledge of cultural structure and the relationship of a term with others in a text. The mediums between the message sender and the receiver in semantics are the terms which either the receiver is familiar with or the cultural field. The present paper analyzes meaning of "Jihad" based on syntagmatic relationships emphasizing Quran's Descending period. Applying descending order and semantic evolution own numerous achievements. Drawing evolution curves for Jihad and their frequencies in different years are other applications of terms' historical arena. "Jihad" means tolerating difficulties and hardship which the peak is seen in donating properties and lives for Divine goals specifically in Madinah. "Faith", "lives", "properties" and "immigrate" are some of Jihad's syntagmatic terms in which their combination makes a meaningful and eloquent phenomenon.

Keywords: Quran, evolution, patience, immigrate, lives, properties.